

## فهرست مطالب

۱۱-۹	مقدمه مترجم
۱۰-۱	- کیان و هخامنشیان - طرح مسائل
۵۶-۱۱	- کیان در گائاهها ویشتها
۱۰۵-۵۷	- روایات مربوط بتاریخ قدیم در دوره ساسانی
۶۸-۵۷	روایات دینی و روایات ملی
۱۰۵-۶۸	منابع بندهشن
۱۵۶-۱۰۶	- کیانیان بنابر روایت دینی
۱۰۸-۱۰۶	کی کواز
۱۱۱-۱۰۸	کی اپیوه
۱۲۲-۱۱۱	کی اوس
۱۲۶-۱۲۲	سیاوش
۱۳۳-۱۲۶	فراسیاب
۱۳۶-۱۳۳	کیخسرو
۱۳۷-۱۳۶	لهر اسپ
۱۴۳-۱۳۷	ویشتاسپ
۱۴۵-۱۴۴	بهمن
۱۴۶	دارا و دارای دارایان
۱۵۳-۱۴۵	داستان کرساسپ
۱۵۶-۱۵۳	خاتمه
۲۰۹-۱۵۷	۵ - کیانیان بنابر روایت ملی
۱۵۹-۱۵۷	کی کوات
۱۶۳-۱۵۹	کی اوس

۱۶۲-۱۶۳	سیاوش
۱۷۱-۱۶۲	کیخسرو
۱۷۵-۱۷۱	لهراسپ
۱۸۱-۱۷۵	ویشتاسپ
۱۸۳-۱۸۱	وهمن
۱۸۷-۱۸۳	تعیین مادهٔ اساسی روایت ملی
۲۰۹-۱۸۷	سام ، کرشاسپ و پهلوانان سیستانی
۲۱۸-۲۱۰	۶ - جانشیان بهمن بنابر روایت ملی
۲۱۵-۲۱۳	همای
۲۱۸-۲۱۵	دارای اول و دارای دوم و اسکندر
۲۲۴-۲۱۹	خاتمه - جاویدانان بنابر منابع پهلوی
۲۲۵	فهرست اسلام

## مقدمه مترجم

کتابی که بخوانندگان تقدیم می‌کنیم از آثار مشهور کریستن سن ایرانشناس نامبردار دانمارکی است .

آرتور کریستن سن<sup>۱</sup> استاد فقید دانشگاه کپنهاگ در ۹ ژانویه ۱۸۷۵ ولادت یافت و در ۳۰ مارس ۱۹۴۵ در هفتاد و یک سالگی جهان را بدرود گفت . وی در دانشگاه کپنهاگ در محضر وستر گارد<sup>۲</sup> خاورشناس فاضل دانمارکی که تحقیقاتش خاصه درباره اوستا مشهور است ، کسب دانش کرد و چندی نیز در آلمان سرگرم تحصیل و مطالعه بود . استادان معروفی را در آن دیار ملاقات کرد و از آنجمله چندی در خدمت آندراس<sup>۳</sup> مستشرق بزرگ آلمانی تلمذ نمود .

مرحوم کریستن سن بعد از ختم تحصیلات خود در دانمارک و آلمان و کسب اطلاعات عمیق و آشنایی با زبانهای اوستایی و پهلوی و عربی و فارسی و زبانهای مهم اروپایی ، شروع بمطالعات دقیق خود درباره تاریخ و فرهنگ ایران پیش از اسلام کرد و نخستین تحقیق خود را در ۱۹۰۱ واجع بمزدک بزبان دانمارکی نوشت و از آن پس تا پایان حیات همواره سرگرم کار و کوشش و مطالعه و تحقیق بود ، چهل و پنج سال مقاله و رساله و کتاب در مسائل مختلف مربوط بایران نوشت و از این راه نزدیک شصت اثر معروف درباره ایران فراهم آورد .

این استاد بزرگ در چند رشته از مسائل راجع بایران اطلاع کافی داشت مانند : داستانها و روایات ملی ایران ، تاریخ و ادبیات اوستایی ، ادبیات پهلوی ، لهجه‌های جدید ایرانی ، فرهنگ توده ایرانی ، تاریخ و تمدن دوره ساسانی ، ادبیات عربی و فارسی . از زبانهای اروپایی نیز غیر از زبان مادری خود آلمانی و فرانسه و انگلیسی را بنیکی میدانست و بهر یک از آنها چند مقاله و کتاب نوشت .

از میان مقالات و کتب متعدد او اینها را باید بعنوان بهترین آثارش یاد کرد :

شاهنشاهی ساسانیان<sup>۱</sup>

سلطنت قباد و کمونیسم مزدکی<sup>۲</sup>

ملاحظاتی دربارهٔ قدیمترین عهد آیین زرتشتی

تحقیقاتی در آیین زرتشتی ایران کهن<sup>۳</sup>

داستان بزرگمهر حکیم<sup>۴</sup>

آیا آیین زروانی وجود داشت<sup>۵</sup>

کیانیان<sup>۶</sup>

ایران در عهد ساسانیان<sup>۷</sup>

حماسه شاهان در روایات ایران قدیم<sup>۸</sup>

نمونه‌های نخستین بشر و نخستین شاه در تاریخ داستانی ایرانیان<sup>۱۰</sup>

علاوه بر اینها کوششی که کرستن‌سن در طبع متون کهن پهلوی که اصل آنها

در کتابخانه دانشگاه کپنهاگ موجودست ، فابل کمال توجهست و همچنین است

ترجمه‌یی که از شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی بزبان دانمارکی ترتیب داد .

کتاب «کیانیان» (Les Kayanides) که ترجمه آنرا بطبع میرسانیم از میان

این آثار مختلف در درجهٔ اول اهمیت قرار دارد. این کتاب بسال ۱۹۳۱ بزبان فرانسوی

۱ - L'empire des Sassanides

۲ - Le règne du roi Kawâdh et le communisme mazdakite

۳ - Quelques notices sur les plus anciennes périodes du zoroastrisme

۴ - Etudes sur le zoroastrisme de la Perse antique

۵ - La légende du sage Buzurjmihir

۶ - A-t-il existé une religion zarwânite

۷ - Les Kayanides

۸ - L'Iran sous les Sassanides

۹ - Gestes des rois dans la tradition de l'Irau antique

۱۰ - Les types du premier homme et du premier roi dans l'histoire légendaire des iraniens, 2 vols.

در کپنهاگ چاپ شد. در این کتاب استاد فقید نخست با بحث استادانه مفصلی ثابت کرد که میان شاهان داستانی کیان و سلسله تاریخی هخامنشی ارتباطی وجود ندارد و تمام فرضهای دانشمندانی مانند هرتل و هرتسفلد را در این باب رد کرد و ثابت نمود که کیانیان عبارتند از یکدسته از امرای محلی مشرق ایران در عهد مقدم بر اوستا که آخرین آنها وشتاسپ بازردشت پیغامبر معاصر بوده است. باقی کتاب وقف است بر بحث جامعی راجع به «کی» و «کیان» از قدیمترین قطعات اوستا گرفته تا آخرین کتب معتبر تاریخی عربی و فارسی. مؤلف فاضل در این مباحث بتحقیق داستان کیانیان در روایات دینی و روایات ملی و تشخیص اینکه هر یک از اجزاء داستان متداول کیانیان از کدامیک از این دو مأخذ اقتباس شده، مبادرت جسته است. هنگام بحث درباره جانشینان بهمین کیفیت اختلاط روایات ملی را درباره کیانیان و بعضی از شاهنشاهان هخامنشی بخوبی نشان داده است. بحث در داستان خاندان کرشاسپ یا خاندان پهلوانی سیستان و همچنین تحقیق درباره جاویدانان بنابر منابع پهلوی نیز در این کتاب بمناسبت پیش آمده و هر دو شایسته توجه فراوانست.

با توجه باهمیتی که این کتاب پر ارزش در شناساندن قسمتی بزرگ از روایات حماسی و داستانهای ملی ما دارد درینج بود که بزبان پارسی در نیاید و در دسترس پژوهندگان دانش و مشتغلین بتاریخ و ادبیات ایران قرار نگیرد. ازینروی باید از بنگاه ترجمه و نشر کتاب سپاس و منت فراوان داشته باشم که این بی مقدار را بر نقل کتاب بیارسی تحریر کرد و بدو جرأت داد تا دست بدین امر خطیر زند و از دشواری کار نهراسد، و چون بضعف و قصور خویش معترفم یقین قاطع دارم که خواننده فاضل از هفوات این بی مقدار چشم خواهد پوشید و برزلاش بعین الرضا خواهد نگریست.

تهران ۳ مهرماه ۱۳۳۶

ذبیح الله صفا

## کیان وهخامنشیان - طرح مسائل

یکسان بودن نامویشتاسپ<sup>۱</sup> (= گشتاسپ) پادشاه حامی زرتشت، که

وجود تاریخی او بوسیله «گائاهها» تأیید میشود، و ویشتاسپ پدر داریوش اول، باعث شده است که برخی از دانشمندان آن دورا یکی پندارند، و برای اثبات این وحدت بیراهین مختلف توسل جویند.

این مطلب را که هر تیل<sup>۲</sup> طرح و اثبات کرده بود، اخیراً هر تسفلد<sup>۳</sup>

در مقاله‌یی که برای شرکت «در مجموعه یاد بود مودی» (ص ۱۸۳ بعد) فرستاده است، از سر گرفته و همان نظر را با تفصیل بیشتر در دو مجلد از کتاب «باستانشناسی ایران»<sup>۴</sup> که بسال ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰ در برلین بطبع رسیده،

Gāthā - ۲

Vig'āspa - ۱

۳- در کتابهای «زمان زرتشت» و «هخامنشیان و کیان» :

Hertel : *Die Zeit Zoroasters und Achaemeniden und Kayaniden*

رجوع شود به مقاله مؤلف بعنوان «تحقیق دربارهٔ مزدیسناى ایران کهن» :

A. Christensen : *Etude sur le Zoroastrisme de la Perse antique*

( Det Kgl. Danske Videnskabernes Seleskab . Historisk -  
filologiske Meddelelster ,XV, p. 25 sqq .

این مقاله مفصل بصورت کتاب مستقلی نیز انتشار یافته است .

Herzfeld — ۴

Modi Memorial Volume , Bombay , 1930 — ۵

Archäologische Mitteilungen aus Iran ,Berlin , 1929 und 1930 — ۶

آورده است. بعقیده هرتل<sup>۱</sup> سلسله پادشاهان کیان (کویان) قدیم (یعنی سلسله‌یی که از کوات<sup>۲</sup> آغاز و به هئوسروه<sup>۳</sup> ختم میشود)، علی‌الظاهر رؤسای قبایل ایران شرقی هستند، خواه آنانرا داستانی بدانیم و خواه تاریخی. از طرف دیگر هر تسفلد سعی کرده است آنانرا با پادشاهان کم و بیش داستانی ماد (که هرودوت<sup>۴</sup> و کتزیاس<sup>۵</sup> فهرست آنانرا ذکر کرده‌اند)، و با کوروش که متشابه با «هئوسروه» است، تطبیق کند، و میگوید آنچه از داستان کویان بعد از حذف عناصر اساطیری باقی می‌ماند عبارتست از داستانی که قابل انطباق بر تاریخ دیوکیدس<sup>۶</sup> (= دیاکو مؤسس سلسله مادی) و کوروش است<sup>۷</sup>، با تغییراتی که در روایت ایران شرقی «زرنک»<sup>۸</sup> (= سیستان) در آن راه یافته است. اما نکته‌یی که در نظر هر تسفلد و هرتل بسیار مهم و اساسی تلقی شده تشابه «کوی وشتاسپ» (کی گشتاسپ) با وشتاسپ هخامنشی است که ساتراپ (شهربان - والی ایالت) پرثو<sup>۹</sup> بوده است. بعقیده هر تسفلد این ایالت شامل زرنک نیز بود و زرتشت پیغامبر که ارمولد خود شهر رگ (= ری) آمده بود، بهمین وشتاسپ توسل جسته و روی سخن وی در گائاها بدوست. وشتاسپ پسرش سپنتودات<sup>۱۰</sup>

۱- هخامنشیان و کیان، ص ۵۵

۲- Kavāta

۳- Haosravah

۵- Ctésias

۴- Herodote

۶- Déiokides

۷- باستانشناسی ایران، ج ۱، ص ۱۵۳ پیوست.

۸- Zranka (Drangiane)

۱۰- Spantodāta

۹- Darθava

دین نورا پذیرفتند و از طرفداران پرشور آن گردیدند. سپنتودات اسم اصلی کسی است که چون شاهنشاه شد، عنوان سلطنتی داری وهوش<sup>۱</sup> (داریوش) پیدا کرد و در افسانه کتزیاس از روی اشتباه گئومات<sup>۲</sup> ای مغ یعنی بردی<sup>۳</sup> ای دروغی، سفنداداتیس<sup>۴</sup> نام یافته است، و این اسم در حقیقت متعلق بپرافکننده اوست نه خود او.

برای آنکه عقیده خود را در قبال این نظریه بهتر تشریح کنم بتوضیحات ذیل مبادرت می‌ورزم.

### ایران شرقی مهد آیین زرتشتی است :

در این باره خواننده را بدلایلی که در مقاله خود بعنوان « ملاحظاتی در باره قدیمترین عهد آیین زرتشتی »<sup>۵</sup> مذکور داشته‌ام هدایت می‌کنم. در این مقاله چنین نتیجه گرفته‌ام که فقدان هر قرینه‌یی از تمدن آسیای علیا در گائاه‌ها، مارا بر آن میدارد که سرزمین اصلی آیین زرتشتی را در ناحیه‌یی واقع در شمال یا مشرق سرزمینی که قبایل ایرانی در روزگاران قدیم سکونت داشته‌اند، و در آنجا شرائط طبیعی زندگی چادر نشینی با زندگی کشاورزی آمیزش یافته بود، قرار دهیم. هر تسفلد نیز سرزمین اصلی

*Gaumāta* — ۲      *Dārayavahūš* — ۱

*Sphendadates* — ۴      *Bardiya* — ۳

— ۵. Quelques notices sur les plus anciennes périodes du

Zoroastrisme

اصل این مقاله در *Acta Orientalia*, 1, p. 153sq. چاپ شده است و من این مقاله مفصل را بعنوان ملاحظاتی درباره قدیمترین عهد آیین زرتشتی در شماره ۳ از سال دوم مجله دانشکده ادبیات ترجمه و جداگانه نذ طبع و سال ۱۳۳۳ منتشر کرده‌ام. (م.م)